**بسم الله الرحمن الرحیم**

**عنوان پژوهش:**

**امکان سنجی ارث زوجه از اموال غیر منقول**

**نام محقّق:**

**علیرضا مهرآوری**

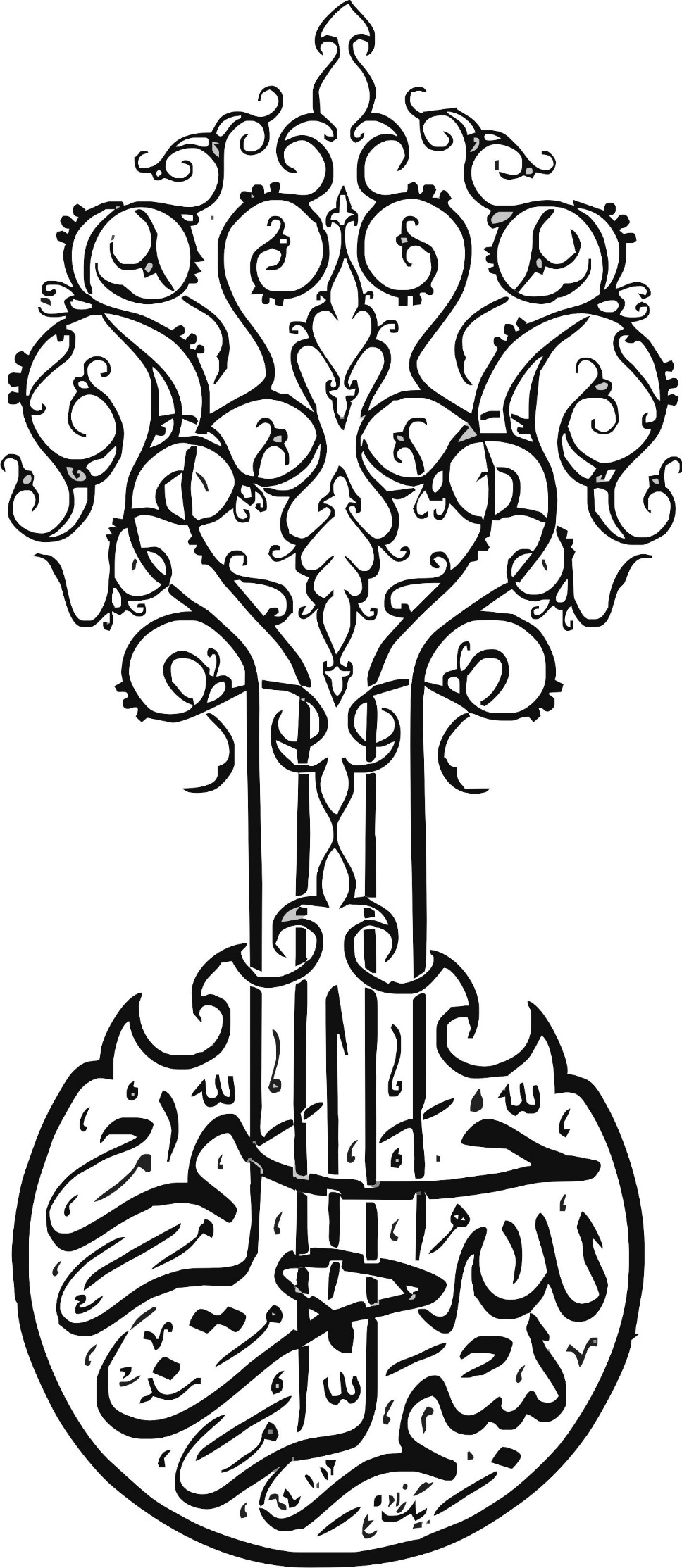
**استاد راهنما:**

**استاد سجادی امین**

**سال تحصیلی 98-99**

**درس فقه**

**پایه ششم**



**تقدیم به:**

**بسم الله الرحمن الرحیم**

**با سلام و صلوات بر پیامبر نور و رحمت،پیامبر پاکی ها و روح پر فتوح امام (ره) و شهدای پاک هشت سال دفاع مقدس و شهدای سرافراز مدافع حرم و ارزوی سلامتی روز افزون برای رهبر فرزانه ام ایت الله عظمی امام خامنه ای (مد ضله العالی) پژوهش خود را تقدیم میکنم به مادر پاکی ها ، بانوی دو عالم حضرت فاطمه زهرا (س).**

**تقدیر از:**

**و کمال تقدیر و تشکر را دارم از مدیریت محترم و دل سوز و کاردان مدرسه علمیه علوی جناب حجت الاسلام و المسلمین اقبالی و همچنین معاونت محترم و پر تلاش پژوهش حجت الاسلام والمسلمین عابدینی و همچنین استاد عزیزم حجت الاسلام محمد سجادی امین و همسر با ایمانم که با صبوری و همراهی خود راه را برایم هموار کرد و تمام کسانی که قدمی در راه علم و عمل برداشته اند.**

موضوع: امکان سنجی ارث زوجه از اموال غیر منقول

چکیده

ارث بردن زوجه از اموال غیر منقول از مباحثی است که در عین اینکه سوالات زیادی را ایجاد کرده است کاربرد بالایی هم در جامعه دارد. به همین دلیل در این پژوهش تلاش کردیم که با مراجعه به مقالات و نصوص و قرآن در حد توان به جمع آوری اقوال و نتیجه مناسب دست پیدا کنیم. در شروع کار کلیاتی از ارث ، زوجه ، اموال منقول و غیر منقول را توضیح داده ایم. در فصل بعد به بیان محل نزاع بین فقها در شش قول پرداخته شده و دلایل انها را ذکر کرده ایم. اقوال فقها در شش قول به این قرار بود، زوجه از عین خانه وزمین مسکونی ارث نمی برد ولی از قیمت آنها واز عین زمینهای دیگر ارث می برد(سید مرتضی). زوجه از عین وقیمت رباع –اراضی مسکونی-هیچ ارثی نمی برد اما از عین زمینها واز قیمت ابزار ومصالح ساختمانی ارث می برد(شیخ مفید). زوجه اگر دارای فرزند باشد ، از عین همۀ زمینها ارث می برد واگر بدون فرزند باشد هیچ ارثی اززمینها نمیبرد وفقط از قیمت ابزار ومصالح ساختمانی ارث می برد(شیخ طوسی وفقهای پس ازاو). زوجه به طور مطلق ازعین ترکه ارث می برد(ابن جنید). زوجه به طور مطلق ، نه از عین ونه از قیمت اموال غیر منقول ارث نمی برد وفقط از قیمت ابزار آلات ومصالح ساختمانی ارث می برد (نظر مشهور متأخرین). زوجه اگر دارای فرزندی از مورث باشد از عین همۀ اموال منقول وغیر منقول ارث می برد واگر بدون فرزند باشد از عین اموال منقول واز قیمت اموال غیر منقول ارث می برد (آیة الله شاهرودی). در اخر هم به نتیجه گیری میان اقوال پرداخته ایم.

کلید واژه ها: ارث ، زوجه ، اموال منقول و غیر منقول، زمین، عین، فرزند

فهرست

[مقدمه 1](#_Toc35120558)

[فصل اول: کلیات 2](#_Toc35120559)

[ارث در لغت 2](#_Toc35120560)

[زوجه 3](#_Toc35120561)

[اموال منقول و غیر منقول 3](#_Toc35120562)

[اموال غیر منقول ذاتی: 4](#_Toc35120563)

[فصل دوم: اقوال فقها در ارث زوجه و ادله انها 6](#_Toc35120564)

[بررسی قول اول 6](#_Toc35120565)

[ادله آنها 6](#_Toc35120566)

[روایات 6](#_Toc35120567)

[قرآن 6](#_Toc35120568)

[بررسی قول دوم 7](#_Toc35120569)

[ادله ها 8](#_Toc35120570)

[قرآن 8](#_Toc35120571)

[بررسی قول سوم 8](#_Toc35120572)

[ادله انها 9](#_Toc35120573)

[اجماع 9](#_Toc35120574)

[روایات 9](#_Toc35120575)

[بررسی قول چهارم 10](#_Toc35120576)

[ادله ها 11](#_Toc35120577)

[قرآن 11](#_Toc35120578)

[روایات 11](#_Toc35120579)

[بررسی قول پنجم 12](#_Toc35120580)

[ادله ها 12](#_Toc35120581)

[اجماع 12](#_Toc35120582)

[قرآن 12](#_Toc35120583)

[روایات 13](#_Toc35120584)

[نقد اجماع قول مشهور متاخرین 14](#_Toc35120585)

[نقد روایات 15](#_Toc35120586)

[بررسی قول ششم 18](#_Toc35120587)

[نقد وبررسی دیدگاه آیت الله شاهرودی ونظریه تفصیل بین زوجه ذات الولد وغیر ذات الولد 19](#_Toc35120588)

[نتیجه نهایی 21](#_Toc35120589)

[منابع 22](#_Toc35120590)

[کتب 22](#_Toc35120591)

[نرم افزار 23](#_Toc35120592)

# مقدمه

میدانیم که پس از فوت اشخاص اگر اموالی از انها باقی بماند باید به صورتی تقسیم شود که از بلاتکلیفی خارج شود.که از نظر فقهای باید نزدیکان مشخص و به انها منتقل شود.یکی از این شاخه های ارث زوج و زوجه هستند که از یکدیگر ارث میبرند. در صورت فوت زوجه طبق نظر تمامی فقها زوج از همه اموال زوجه ارث میبرد، و همچنین در صورت فوت زوج، زوجه از همه اموال منقول زوج ارث میبرد .ولی در مورد اینکه زوجه از اموال غیر منقول زوج ارث میبرد یا نه بین فقها اختلاف نظر وجود دارد.اکنون این سوال مطرح میشود که ایا زوجه از اموال غیر منقول هم ارث میبرد یا خیر؟

مسئله ارث بری زوجه از زوج هم در علم حقوق هم در علم فقه درباره ان بحث میشود.در این پژوهش از منظر علم فقه به موضوع پرداخته میشود.

موضوع این پژوهش از صدر اسلام مورد توجه دین مبین اسلام بوده است و علمایی از جمله سید مرتضی علم الهدی در الانتصار و همچنین شیخ طوسی در الاستبصار و علمای معاصر از جمله مرحوم ایت الله شاهرودی در مجله فقه اهل بیت شماره 49 و 50 از جمله کسانی بودند که در این زمینه تحقیق داشته اند که حقیر سعی در جمع اوری اقوال این بزرگان و تبیین و نتیجه گیری بین انها را دارم.

با توجه به مطالعات صورت گرفته تا به این جا به این نتیجه رسیده ام که زوجه در صورتی که از شوهر خود فرزندی داشته باشد از تمامی ترکه (اعم از منقول و غیر منقول) ارث میبرد و در صورتی که از شوهر خود فرزندی نداشته باشد از اموال غیر منقول مطلقا (خواه عین باشد یا قیمت) ارث نمیبرد.

اهمیت و ضرورت موضوع انجا مشخص میشود که اموال زوج را هنگام موت او به گونه ای تقسیم کنند که حق زوجه ضایع نشود.به این معنا که با دادن یا ندادن اموال غیر منقول به زوجه حقی از او یا مابقی وراث ضایع نشود.

و در آخر امیدوارم که بتوانم سوالات و شبهات در این مسیله را رفع کنم، ان شاء الله.

# فصل اول: کلیات

## ارث در لغت

و هو مفعال من الإرث و ياؤه منقلبة عن واو أو من الموروث و هو على الأول استحقاق إنسان بموت آخر بنسب أو سبب شيئا بالأصالة و على الثاني ما يستحقه إنسان إلى آخره بحذف الشي‌ء و هو أعم من الفرائض مطلقا إن أريد بها المفروض بالتفصيل و إن أريد بها ما يعم الإجمال كإرث أولي الأرحام فهو بمعناه- و من ثم كان التعبير بالميراث أولى. (عاملى، شهيد ثانى، زين الدين بن على، الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية( المحشّى- سلطان العلماء)، انتشارات دفتر تبليغات اسلامى حوزه علميه قم‌، تاريخ نشر: 1412 ه‍ ق، چاپ اول، جلد 2، ص 295)

کلمه میراث بر وزن مفعال است که از ارث گرفته شده است و یاء ان منقلب از واو است، یا اینکه بگوییم مشتق از کلمه موروث است.

طبق مورد اول به این معنا میشود که انسانی در اثر مرگ دیگری به دلیل خویشاوندی سببی یا نسبی چیزی را بالاصاله مستحق گردد.

طبق مورد دوم به این معنا میشود انسانی در اثر مرگ دیگری به دلیل خویشاوندی سببی یا نسبی مالی را بالاصاله مستحق گردد.

واژه میراث اعم از فرایض است مطلقا. اگر مقصود از فرایض را اعم از سهامی بگیریم که به نحو اجمال بیان شد، مثل ارث اولی الارحام، در این صورت مترادف خواهند بود. به همین دلیل تعبیر به میراث بهتر از تعبیر به موروث خواهد بود.

به نظر میرسد اگر بگوییم که واژه میراث از ارث مشتق شده است، تعریف جامع تری را داشته باشیم، زیرا که میگوید (چیزی) را بالاصاله مستح گردد نه (مالی) را، و شیء عمومیت دارد بر مال.

## زوجه

الزوجان يتوارثان‌ و يصاحبان جميع الورثة مع خلوهما من الموانع- و إن لم يدخل الزوج- إلا في المريض الذي تزوج في مرضه فإنه لا يرثها و لا ترثه- إلا أن يدخل أو يبرأ من مرضه- فيتوارثان بعده و إن مات قبل الدخول و لو كانت المريضة هي الزوجة توارثا و إن لم يدخل على الأقرب. (الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية( المحشّى- سلطان العلماء)، جلد 2، ص 325)

زوج و زوجه در صورت فوت از یکدیگر ارث میبرند، و ارث میبرند با صاحبان ارث در صورتی که موانع ارث در کار نباشد حتی اگر زوج دخول نکرده باشد جز در صورتی که زوج در حال مریضی با زوجه ازدواج کرده باشد که در این حالت هیچ کدام از یکدیگر ارث نمیبرند به استثنای شوهری که بیمار است و با زن خود نزدیکی کند یا از ان بیماری بهبود پیدا کند اگرچه شوهر قبل از نزدیکی کردن بمیرد.

اگر زوجه مریض باشد قول صحیح تر این است که ارث میبرند حتی اگر دخول نکرده باشد.

در کل زوجه به زنی میگویند که مرد پس از عقد، به او دخول میکند. که در این صورت از یکدیگر ارث میبرند.

## اموال منقول و غیر منقول

اموال جمع مال میباشد ودر لغت به معنی خواسته است ، املاک واسباب و امتعه و کالا و ثروت و هر چیزی که در تملک کسی باشد ویا اینکه در تصرف وبه دست کسی باشد میگویند. (دهخدا ،علی اکبر ، لغت نامه دهخدا، انتشارات دانشگاه تهران ، چاپ دوم، جلد 3، ص3377)

ودر اصطلاح ، مال عبارت است از چیزی که ارزش اقتصادی داشته وقابل تقویم به پول باشد . پس حقوق مالی مانند حق تحجیر وحق شفعه و...هم مال محسوب می شود. (جعفری لنگرودی محمد جعفر، سبط ترمینولوژی حقوق، ، گنج دانش، تهران، ص 595)

البته این را هم باید در نظر گرفت که ممکن است مال ارزش اقتصادی بالایی را داشته باشد و قابل تقویم به پول هم نباشد.مثل اشیایی که به خاطر با ارزش بودنشان قابل قیمت گذاری نیستند.

دراصطلاح حقوقی، هر چیزی که انسان می تواند ازآن استفاده کند وقابل تملیک هم باشد مال است. (عدل، مصطفی ، حقوق مدنی ، انتشارات طه ، چاپ دوم ، سال 1385، قزوین، ص 31)

از این رو کلیه دیون ، از قبیل قرض وثمن مبیع ومال الاجاره ، عین مستأجره از حیث صلاحیت محاکم در حکم منقول است حتی اگر مبیع یا عین مستأجره از اموال غیر منقول باشند واموال غیر منقول هم اموالی که مانند زمین ومعدن باشند واعم از آن است که استقرار آن ذاتی باشد یا به واسطه عمل انسان به نحوی باشد که مستلزم خرابی یا نقص خود مال ویا محل آن شود. (قانون مدنی ایران، ماده 12)

تشخیص نوع مال منقول وغیر منقول در حقوق ما دارای اهمیت فراوان است وآثار زیادی دارد لذا به مهمترین آنها اشاره می کنیم.

خارجیان نمی توانند در ایران آزادانه اموال غیر منقول را مالک شوند وبه موجب معاهده ها اجازه دارند فقط برای سکونت یا شغل وصنعت خود اموال غیر منقول تحصیل وتملک کنند در حالیکه برای اموال منقول چنین محدودیتی وجود ندارد.

نقل وانتقال اموال غیر منقول باید باسند رسمی صورت بگیرد ، اما در مورد اموال منقول تنظیم سند رسمی ضرورت ندارد همچنین قیّم نمی تواند اموال غیر منقول مولی علیه خود را بدون اجازه دادستان بفروشد یا رهن بگذارد. (قانون مدنی ایران، ماده 24)

## اموال غیر منقول ذاتی:

این قسم از اموال غیر منقول منحصر به أراضی میباشد. البته باید دانست که کلمۀ أراضی یا زمین فقط به سطح الارض إطلاق نمی شود بلکه اعماق زمین را هم شامل می شود .بنابراین نه فقط سطح زمین ، بلکه کلیه آنچه در أعماق زمین هم موجود باشد از قبیل خاک ، سنگ، معادن جزء اموالی محسوب می شود که ذاتاً غیر منقول می باشند. (حقوق مدنی مصطفی عدل، ص34)

طبق این تعریف اگر شخص در زمین خود حفاری کند و به نفت دست پیدا کند، ان نفت هم غیر منقول میباشد.

2.اموالی که به واسطه عمل انسان غیر منقول شده اند

اموال منقولی که به واسطۀ عمل انسان غیر منقول می گردند دارای سه شرط است (اولاً): ذاتاً منقول باشد (ثانیاً):در زمین ساختمان بکار رفته باشد (ثالثاً):هر گاه بخواهند آن مال را از زمین وساختمان جدا کنند خراب یا ناقص گردد یا نقص وخرابی در محل پیش آید. (حقوق مدنی مصطفی عدل، ص25)

ذاتا منقول باشد، مثل چوب و آهن و ...

در زمین ساختمان به کار رفته باشد نه در خود ساختمان.

جدا کردن آن باعث خرابی ساختمان شود، یعنی مثل در ساختمان نباشد که جدا کردن آن آسیبی به ساختمان وارد نمیکند.

بنابراین آنچه ملحق به زمین یا بنا شده است تابع وضع موجود است وهر گاه از زمین یا بنا جدا شود منقول است ، مثلاً اگر آسیاب منصوب در بنا طوری نصب شده باشد که منصوب به زمین نباشد وبتوان آن را حمل ونقل نمود به طوری که نه به خود آسیاب ونه به محل آن خرابی وارد آید ، منقول خواهد بود اما منصوب درغیر منقول است . همچنین امثال تلفن دیواری ، کنتور برق وکولرو....

ثمره (میوۀ اشجار)وحاصل (زراعت هایی که به وسیله ریشه به زمین ملصق است ، مثل گندم وجو وأمثال آنها) مادامی که چیده ویا درو شده باشد تنها آن قسمت منقول است. (حقوق مدنی مصطفی عدل، ص34)

# فصل دوم: اقوال فقها در ارث زوجه و ادله انها

## بررسی قول اول

در این قول قائلین معتقدند به محرومیت زوجه از أراضی خانه ومساکن به طور مطلق (چه دارای فرزند باشد وچه داری فرزند نباشد) ولکن از اراضی باغ ومزرعه ومانند آن را مطابق سهم خویش (ربع یا ثمن) ارث می برد.واز آلات وابنیه واشجار هم تنها قیمت را مستحق است ، این دیدگاه بسیاری از اصحاب است همانند شیخ مفید (شیخ مفید عبری بغدادی،المقنعه، مؤسسه النشرالاسلامی لجامعه المدرسین، قم، 1410ه.ق، ج2، ص 687) وشیخ طوسی (طوسی، ابو جعفر محمد بن الحسن ، الاستبصار، دارالکتب الاسلامیه ، ج چهارم ، تهران ، 1363، ص 154) وحلبی وابن زهره وگروهی از متأخران من جمله مقدس اردبیلی بر این رأیند وجناب ابن إدریس (حلّى، ابن ادريس، محمد بن منصور بن احمد، السرائر الحاوي لتحرير الفتاوى‌،3 جلد، دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه، قم‌، 1410 ه‍ ق‌، چاپ دوم‌ ،ص 359، جلد 3) ادعا کردند که در این مسیله اجماع است.

## ادله آنها

### روایات

علت این قول روایات متعددی است که مضمون آنها عدم ارث زوجه از أراضی وعقار است، از جمله ((أن المرأة لا ترث ممّا ترک زوجها من القُری والدّور والسّلاح والدّواب شیئاً وترث من المال و الفرش والثیّاب ومتاع البیت...)) (حر عاملی، محمد ، وسائل الشیعه ، بیروت ، دارالاحیاء التراث العربی ، 1378ه، جلد 17 ، ص 517) و حسنه زراره ومحمد بن مسلم از امام صادق (علیه السلام)(النساء لا یرثن من الأرض شیئاً ولا من العقار شیئاً) (وسائل الشیعه ،ج17،ص 517) اینها با استناد به عموم واطلاق این احادیث بین ذات الولد وغیر او فرقی نگذاشته و همانطور که گذشت بر آن اجماع کرده اند.

### قرآن

ویکی دیگر از دلایل آنها این است که مطابق آیه 12 سوره نساء ( لهن الربع مما ترکتم) وبا جمع میان روایات وعموم آنها میراث زن از همه اموال است و آنجا که از کتاب وسنت دلیلی روشن مبنی بر محرومیت زوجه از همه اراضی وجود ندارد ، باید به قدر متیقن اکتفا کرد یعنی محرومیت تنها از اراضی خانه ومساکن ونه از دیگر اراضی واز طرفی در بعضی از روایات هم به همین مقدار اکتفا گردیده است که روایات آن ذکر گردید.

ایات قران قطعا دلالت بر این دارند که زوجه از تمامی ترکه زوجش ارث میبرد اما محل بحث بر این است که فرزند داشتن یا نداشتن چه تاثیری در ارث بری زوجه میتواند داشته باشد؟

قائلین به أدلۀ قول دوم در ذیل نظریه خود می نویسند (رباع عبارت است از سر پناه ومساکن نه مزرعه وباغ)برخی دیگر می نویسند : رباع عبارت است از مطلق أبنیه ، خواه برای سکونت انسان ، فروش کالا، سرپناه حیوانات وهر غرض دیگری که بنا شده باشد ولی آنچه که می توان نتیجه گرفت که از قرار دادن لفظ «رباع» با «بساطین» و «ضیاع» می توان فهمید که مراد از رباع هر زمینی است که بر روی آن بنا ساخته شده باشد وإلاّ لفظ رباع شامل اینها نمی گردد.( شیخ مفید، احکام النساء، تحقیق مجدی نجف، بیروت دار المفیدوالطباعه، 1993میلادی، ص336)

در مجموع قایلین به این نظریه به این رسیده اند که زوجه از زمین خانه و مسکن ها ارث نمیبرند، چه فرزند داشته باشد چه نداشته باشد.

## بررسی قول دوم

این قول سید مرتضی (ره) است که می فرماید : زوجه از قیمت تمام اموال وما ترک شوهر ارث می برد یعنی زوجه تمام یک چهارم یا یک هشتم سهم خود ر ا از عین برخی از ما ترک واز قیمت برخی دیگر به ارث می برد در نظریۀ سید مرتضی از سهم زوجه چیزی کم نمی شود .منتهی یک چهارم یا یک هشتم از أراضی وأبنیه از جهت قیمت به وی پرداخت می شود وی معتقد است راه جمع بین حفظ ظاهر کتاب که به زن یک چهارم ویا یک هشتم ارث می رسد وروایاتی که زن را از برخی اموال غیر منقول محروم ساخته است ، این است که سهم زن را از قیمت اموال غیر منقول پرداخت می نمایند ، ایشان می فرمایند: به نظر من این مسئله همچون مسئله اختصاص قرآن و شمشیر به پسر بزرگتر است . رباع گر چه به زوجات داده نمی شود ولی قیمت آن برای ایشان محسوب می شود. دلیل تأیید نظر ما همان است که در مسئلۀ پیشین بیان شد. ممکن است وجه محرومیت زن از ارث رباع آن باشد که چه بسا او با دیگری ازدواج کند وکسی را ساکن این خانه کند که رقیب متوّفی بوده یا به او غبطه و حسد می ورزیده واین بر اهل وعشیرۀ متوفی گران باشد . محرومیت زن از ارث عین خانه با پرداخت آن به او به بهترین وجه جبران شده است ، آنچه سید مرتضی در تقویت نظر خود در مسئلۀ پیشین و مسئلۀ جلوه بیان کرده وچنین است.( علم الهدی ، سید مرتضی ، الانتصار، جامعه مدرسین ، قم ، 1415ه.ق، ص585)

به نظر میرسد که سید مرتضی دچار قیاس شده است است زیرا این مسیله را با مسیله اختصاص دادن شمشیر و قران به پسر بزرگتر مقایسه کرده است.

## ادله ها

### قرآن

آنچه را بیان کردیم ، گر چه فقهای ما بدان تصریح نکرده اند قوی تر می دانیم ، زیرا در آیه شریفه آمده است: « یوصیکُم الله فی أولادَکُم لِلذّکَرِ مثل حظِ الأنثَیَین » ظاهر آیه مقتضی شریک بودن دختر وپسر در همۀ ما ترک میت من جمله شمشیر وقرآن است . همچنین ظاهر آیات مربوط به میراث پدر ومادر و زوجین اقتضا می کند که سهم مذکور برای آنان از همۀ ترکه میت باشد .بنابراین اگر چیزی از ترکه را مختص به پسر بزرگتر بدانیم بدون کسر قیمت آنها به پسر بزرگتر تعلق می گیرد. آنان فقط به روایاتی تکیه کرده اند که متضمن اختصاص این اشیاء به پسر بزرگتر است بدون تصریح به احتساب این اشیاء کسر قیمت آنها از سهم او هر گاه به پیروی از این روایات جلوه را مختص به پسر بزرگتر بدانیم وقیمت آنها را حساب کرده واز سهم او کم کنیم ، هم ظاهر آیات محفوظ می ماند وهم به اجماع فقهای طایفه بر اختصاص این اشیاء بر پسر بزرگتر عمل کرده ایم. وجه اختصاص این اشیاء به پسر بزرگتر با کسر قیمت آنها از سهم اولین است که پسر بزرگتر جانشین به منزلۀ پدر است وبه سبب همین جایگاه به این اشیاء سزاوارتر از زنان و فرزندان کوچکتر است.( الانتصار، 283)

## بررسی قول سوم

قائلین به این نظر می گویند اگر زوجه فرزندی از زوج متوفای خود داشته باشد از عین همۀ اموال إرث می برد وإلا از عین وقیمت هر نوع زمینی محروم است واز ساختمان قیمت می برد ، این فقهاء در مورد درخت اختلاف نظر دارند برخی آن را در حکم ساختمان ؛ برخی دیگر در حکم أموال منقول میدانند.شیخ ابوجعفر محمد بن الحسن طوسی وفقهای بعد از او که مشهور متقدمین را تشکیل می دهند از طرفداران وقائلین به این قول هستند ؛ شیخ طوسی می فرماید :زن از زمین شوهر خود ارث نمی برد فقط قیمت مصالح ساختمان حساب می شود وسهم او از آن داده می شود واز اصل زمین چیزی به او نمی رسد.( طوسی، ابو جعفر محمد بن الحسن ، الاستبصار، دارالکتب الاسلامیه ، ج چهارم ، تهران ، 1363، ص98)

برخی از فقهای ما قائلند که این حکم مخصوص زمین خانه است وشامل زمینهای کشاورزی وباغها نمی شود ولی رای اول در روایات بیشتر آمده است ودرمذهب روشن تر است . این حکم درصورتی است که زن فرزندی از مورث نداشته باشد .اما اگر دارای فرزندی باشد حق او از همۀ اموال از جمله از زمینهای کشاورزی ومسکونی و خانه ها پرداخت خواهد شد بسیاری از فقهای متقدم ومتأخر امامیه نیز همین فتوی را دارند . از جمله قاضی ابن براج، ابن حمزه، محقق حلی ، شهید ثانی.( حسینی، سید احمد، مقاله ارث زوجه از اموال غیر منقول زوج در کتاب، سنت وفقه اسلامی)

## ادله انها

### اجماع

عده زیادی از فقها ادعای اجماع بر محرومیت زوجه از بخشی از ما ترک زوج نموده اند به این صورت که زوجه از بخشی از ما ترک زوج محروم می شود،به جز إسکافی بقیه ادعای اجماع کرده اند.( سبزوارى، محقق، محمد باقر بن محمد مؤمن‌، كفاية الأحكام‌، دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم‌، 1423 ه‍ ق‌)

که البته باید این ادعای اجماع صحتش مشخص شود و اینکه ما ادعای اجماع و حجیت ان را قبول داشته باشیم.

### روایات

1.عن محمد بن مسلم عن الباقر (علیه السلام) (النساء لا یرثن من الارض والعقار شیئاً) (وسایل الشیعه ،ج26،ص207) امام باقر (علیه السلام)فرمودند:زنان از زمین واز عقارات ارث نمی برند.

2.عن زراره عن الباقر (علیه السلام) (لا برث النساء من عقار الارض شیئاً)( وسایل الشیعه ،ج26،ص208) امام باقر (علیه السلام)فرمودند:زنان از عقار زمین ارث نمی برند.

3. از عبدالملک نقل شده که امام باقر (علیه السلام)کتاب امام علی (علیه السلام)را خواست فرزندش جعفر کتاب را که مانند ران مرد قطور بود آورد در آن آمده : زنان از عقار مرد پس از مرگش هیچ بهره ای ندارد. سپس امام باقر (علیه السلام) فرمود: به خدا سوگند این دست خط امام علی (علیه السلام) واملای پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) است. (وسایل الشیعه ،ج26،ص311)

4. از امام صادق(علیه السلام)پرسیدند:زنان از میراث چه بهره ای دارند. امام فرمود: از قیمت آجر ، ساختمان، چوب و حصیر ارث می برد، اما میراثی در زمین وعقار ندارند راوی می گوید پرسیدم : دختران چه؟ (در برخی نسخه ها به جای فالنبات،فالثیاب دارد که امام فرمودند:از لباس ها ارث می برند)امام فرمودند:دختران از زمین وعقارات می برند، پرسیدم چگونه است ، در حالی که زن یک هشتم یا یک چهارم سهم الارث دارد؟ امام فرمود: برای اینکه زن با این خاندان بیگانه است ونسبتی ندارد که به سبب آن ارث ببرد . این حکم (محرومیت زن از زمین)بدان جهت است که شاید زن با فرد دیگری ازدواج کند و شوهر با فرزندان وی که از قوم دیگری هستند مزاحم زمین وعقار ورثه شوند، این حدیث را جناب طوسی وصدوق هم نقل می کنند. (وسایل الشیعه ،ج26،ص206،207)

5. برخی از امام باقر (علیه السلام)وبرخی از امام صادق (علیه السلام)وبرخی از یکی از آن دو امام (علیه السلام)نقل کرده اند که فرمود:زوجه از خاک ، خانه یا زمین ما ترک شوهر ارث نمی برد ، فقط آجر وچوب قیمت گذاری می شود و یک چهارم یا یک هشتم سهم زوجه به او داده می شود. (وسایل الشیعه ،ج26،ص 208)

6. امام صادق(علیه السلام)فرمود : زنان از زمین خانه ها ارث نمی برند ولی ساختمان وآجر قیمت شده و یک هشتم یا یک چهارم قیمت آنان پرداخت می شود ، زیرا ممکن است زن باشخص دیگری ازدواج کرده ومیراث ورثه را برآنان تباه سازد. (وسایل الشیعه ،ج26،ص 208)

7. امام صادق(علیه السلام)فرمود:برای زنان از آن جهت قیمت چوب وساختمان قرار داده شده که مبادا ازدواج کرده وبیگانه ای را بر ورثه وارد کرده ومیراث آنان را تباه سازند. (وسایل الشیعه ،ج26،ص201)

8. به زراره گفتم: بگیر از امام باقر(علیه السلام)این حدیث را روایت کرد که زن از خاک خانه وزمین بجا مانده از شوهرش ارث نمی برد ، فقط ساختمان ، تیر وچوب خانه قیمت شده وبهره او از قیمت ساختمان داده می شود ، اما از خاک چه خانه وچه زمین چیزی به زن داده نمی شود .زراره گفت : در این هیچ شکی نیست. (وسایل الشیعه ،ج26،ص 216)

9. امام صادق(علیه السلام)فرمود:زنان از عقارات ارث نمی برند واز قیمت ساختمان ودرختان ارث می برند.مقصود امام(علیه السلام) از عقار خانه واز نساء زوجه است. (وسایل الشیعه ،ج26،ص 211)

10. امام رضا (علیه السلام)ضمن پاسخ سئوالهای محمد بن سنان نوشت: علت این که زوجه از عقار جز قیمت آجر ومصالح ساختمانی اش چیزی ارث نمیبرد این است که عقار تغییر نمی کند ولی زن ممکن است رابطه زوجیت میان او و شوهرش گسسته شود وتغییر –تبدیل وی جایز است. اما پدر وفرزند چنین نیست ونسبت میان آنها گسست ندارد ، درحالی که زن را می توان تبدیل کرد پس اگر تشابهی باشد آن که آمدنی ورفتنی است ، میراث او نیز از اموال تغییر وتبدیل پذیر است وآن که ثابت وماندنی است میراث او از اموال ثابت ومستقر است. (وسایل الشیعه ،ج26،ص 211)

## بررسی قول چهارم

این قول ابن جنید إسکافی است که می فرماید زوجه از عین تمام ماترک شوهر ارث می برد .

## ادله ها

### قرآن

(وَلَکُم نصفَ ما تَرَکَ أزواجَکُم إن لَم یَکُن لَهنّ ولد فإن کان لهنّ ولد فلَکُم الربع مما ترکَ من بعد وصیة یوصین بها أو دَینٍ ولَهنَّ الرُیعُ مما تَرَکتُم إن لَم یَکُن لَکُم ولد فَإن کانَ لَکُم ولد فَلَهنَ الثمن مما تَرَکتم من بعد وصیة توصون بها أو دین...). (قرآن کریم، سوره نساء، ایه 12)

(برای شما مردان یک دوم ما ترک زنانتان است ، اگر بدون فرزند باشند ولی اگر ذات ولد باشند ، سهم شما از آنچه به جای می گذارند یک چهارم است ، البته پس از پرداخت دیون متوفی وعمل به وصیت ایشان وزوجه غیر ذات ولد یک چهارم از ما ترک شما ارث می برد وزوجه ذات ولد یک چهارم...)

### روایات

«عن ابی جعفر (علیه السلام) فی حدیث قال: إن الله أدخل الزوج والزوجة علی جمیع أهل المواریث فلم ینقصها من الربع والثمن» (وسائل الشیعه، ج26، ص155)

امام باقر (علیه السلام ) فرمود : خداوند زوج وزوجه را بر تمام طبقات وارث وارد کرد وسهم آنها را از یک چهارم (حداقل سهم زوج)یک هشتم (حداقل سهم زوجه) کمتر قرار نداده .

که در این صورت اگر قایل شویم زوجه از عین بعضی ماترک ارث نمیبرد، ارث زن از یک هشم کمتر میشود.

عن ابی بصیر قال قرأ علی ابوجعفر علیه السلام ...رجل توفی وترک امرأته قال : للمرأةالربع وما بقی فللامام علیه السلام. (وسائل الشیعه، ج26، ص206)

از امام باقر (علیه السلام)وامام صادق (علیه السلام) نقل شده چنانچه مردی فوت کند وتنها وارثش زوجه اش باشد سهم زوجه یک چهارم است وما بقی اموال در حکم مال بلا وارث تحویل امام می شود.

از این روایت این معنا برداشت میشود که زوجه حتی در صورت نداشتن فرزند از عین تمام ماترک ارث میبرد.

(عن ابی بصیر عن ابی عبدالله (علیه السلام) فی إمراة ماتت وترکت زوجها قال : المال کله له ، قلت فالرجل یموت ویترک إمراته قال: المال لها) (وسائل الشیعه، ج26، ص203)

امام صادق (علیه السلام ) در مورد زوجه ای که فوت کرده وشوهر تنها وارث می باشد فرمود : همۀ اموال زوجه به شوهر می رسد . راوی می گوید اگر مرد فوت کند وزن تنها وارث باشد ، چه باید کرد ؟ امام فرمود : تنها مال به زوجه می رسد.

الفضیل بن یسار البصری قال: سالت اباالحسن الرضا (علیه السلام) من رجل مات وترک امرأة قرابة لیس له قرابة غیرها قال یدفع المال کله إلیها. (وسائل الشیعه، ج26، ص205)

فضیل از امام رضا (علیه السلام)سئوال کرد مردی فوت میکند وتنها وارث او همسرش می باشد که نسبت فامیلی با وی دارد امام فرمود:تمام ما ترک زوج به زوجه داده می شود.

البته این روایات ظهور در این دارد که زوجه از تمام ماترک ارث میبرد اما این به این معنا نیست که حجیت در ان ظهور داشته باشد.

## بررسی قول پنجم

مشهور متأخرین معتقدند مطلق زوجه از مطلق زمین محروم است واز بنا ودرخت ارث قیمت آن را می برد واز سایر اموال عین می برد از جمله فقها قائل به این قول صاحب ریاض ،محقق نراقی، ابوالصلاح حلبی، شیخ مرتضی انصاری وشیخ محمد حسن نجفی وابوالقاسم خوئی است.

مهمترین استدلال این نظریه ، جمع میان اطلاق قرآن وروایات محرومیت زوجه است . روایات محرومیت با ألفاظ متعدد عقار ، أرض، ضیعه، رباع، دورو ....زوجه را از ارث بردن اموال محروم می کند وغیر قابل توصیه است. (حسینی، سید احمد، مقاله ارث زوجه از اموال غیر منقول زوج در کتاب و سنت وفقه اسلامی)

## ادله ها

### اجماع

برخی ازفقهای متأخر مانند صاحب ریاض ومحقق نراقی که قائل به اطلاق محرومیت زوجه از ارث زمین از هر دو ناحیه هم ازناحیه زمین ، چه مسکونی وچه زراعی وهم ازناحیه زوجه ، چه با فرزند وچه بی فرزند هستند ، این نظریه را نزد فقهای پیشین اجماعی دانسته که به جزصدوق (ره) مخالفی را مطرح نکرده اند . صاحب ریاض می نویسد:مقتضای اطلاق لفظ «زوجه» در عبارات فقها مانند کلینی ومفید وسید مرتضی وشیخ طوسی در استبصار وحلبی وابن زهره و...موافق با صریح سخن ابن ادریس وگروهی از متأخران است. (طباطبایی، سید علی، ریاض المسائل، مؤسسه النشر الاسلامی لجامعه المدرسین، قم، 1412ه.ق، جلد 12، ص589)

### قرآن

در سوره نساء آمده است: «وَلَهُنَّ الرُّبُعُ مِمِّا تَرَکتُم إن لَم یکن لَکُم ولدٌ فإن کانَ لکُم ولَدٌ فلَهِنَّ الثُمُنُ ممّا ترکتم»

ویک چهارم از میراث شما برای آنها است اگر شما فرزندی نداشته باشید ؛ واگر فرزندی داشته باشید ، یک هشتم برای میراث شنما ازایشان خواهد بود.

در این ایه به روشنی بیان شده که یک چهارم در صورت نداشتن فرزند و یک هشتم در صورت داشتن فرزند به زوجه میرسد یعنی زوجه هم از عین هم از قیمت تمام ترکه ارث میبرد. این برداشت از ظهور ایه کاملا روشن است.

### روایات

در مقابل ظهور قرآن، روایاتی را داریم در حالی که صحیح هستند بیان کننده محرومیت زوجه از اموال غیر منقول هستند.

این روایات را برحسب دلالتشان می توان به چند دسته تقسیم کرد.

دسته اول: روایاتی که ظاهر شان دلالت برمحرومیت زوجه ازارث عقار(اموال غیرمنقول) مطلق زمین دارد، بی آنکه متعرض کیفیت ارث او از ساختمان شده باشند زراره ومحمد بن مسلم از امام باقر(علیه السلام) نقل کرده اند «زنان از زمین واز عقار اموال غیر منقول هیچ ارث نمی برند»

دسته دوم : روایاتی که ظاهر آنها دلالت برمحرومیت زوجه ازارث عقار (اموال غیر منقول) وضیاع (مزرعه وزمین کشاورزی)وارث بردن او از عین ساختمان دارد محمد بن مسلم از امام باقر (علیه السلام) نقل می کند ، زنان از خانه ها وضیاع (اراضی کشاورزی)هیچ ارث نمی برند مگر بنایی احداث شده باشد که در این صورت از بنا (ساختمان) ارث می برند.

دسته سوم: بر اساس این روایات زوجه ازخانه ها وعقار (اموال غیر منقول) وزمین ها ارث نمی برد، ولی از قیمت ساختمان وآلات ومصالح ساختمانی ارث می برد.

اکثر روایات میراث زن وشوهر در این دسته جای دارند ولسان آنها نیز مختلف است.

الف)برخی از آنها حکم محرومیت را به رباع منازل وزمین خانه اختصاص داده اند .

ب)برخی دیگر محرومیت از عقار را به صورت مطلق آورده اند ، بنابرآنکه اطلاق عقار شامل هر زمینی بشود .

ج)بعضی از آنها به ارث نبردن زوجه از قریه ها نیز تصریح کرده اند.

د)در بعضی دیگر به ارث نبردن زوجه از ضیاع (مزرعه وزمین کشاورزی) نیز تصریح شده است.

ه)دربعضی دیگر ازاین روایات به ارث نبردن زوجه ازسلاح وچهارپایان نیز تصریح شده است، که البته این حکم از نظر فقهی نا محتمل است وبر اساس آن فتوی داده نشده است.

و)درذیل برخی ازاین روایات ،فلسفه حکم محرومیت زوجه ازاشیای یاد شده این گونه ذکر شده است«لئلا یتزوجن فیفسدن علی اهل المواریث مواریثهم»تا زنان با ازدواج با دیگری ،میراث ورثه را تباه نسازند.

ز)در برخی دیگر از روایات این دسته ،تفصیل میان زمین وقیمت ساختمان وآلات ساختمانی به لفظ استثناء واستدراک آمده است مانند «الا أنه تعطی حقها » یا « وأنه تعطی حقها..من قیمه البناء»حق زوجه ازقیمت ساختمان پرداخت می شود بعضی ازفقها این بیان را ظاهر در این داشته اند که همه حق زوجه حتی در مورد زمین از قیمت پرداخت شود. (سجادی امین، مهدی، مقاله میراث زوجه از اموال غیرمنقول، مرکز مطالعات راهبردی زنان)

## نقد اجماع قول مشهور متاخرین

آیة الله شاهرودی در نقد اجماع اقامه شده می نویسد:«آنچه از سخنان فقهای پیشین بدست می آید ومی توان ادعای اجماع بر آن کرد. فقط اصل محرومیت زوجه بدون فرزند از عین رباع (خانه وملک مسکونی) است و شامل قیمت نمی شود .اگر مسئله اجماعی می بود چگونه فقیهی مانند سید مرتضی مراد روایت را حمل بر محرومیت زوجه از عین رباع ونه از قیمت آن کرده است؟اگر مسئله اجماعی وقطعی بود ، چنین حملی وجهی نداشت ؛ همچنین اگر اجماع در این مسئله باشد ، این اجماع مسبوق به روایات بسیار است .... که این گونه اجماع ها اگر قطعا مدرکی نباشد ، حداقل احتمال مدرکی بودن در آنها می رود شاهد این مدعا آن است که سید مرتضی در صدد جمع بین روایات محرومیت زوجه از ارث زمین وظاهر آیات قرآن کریم بر آمده وبه محرومیت زوجه فقط از عین (نه قیمت) فتوی داده است . همچنین عبارات شیخ طوسی در استبصار ، تهذیب ،شیخ صدوق در الفقیه که وجه جمع میان روایات متعارض را بیان کرده اند ، شاهدی است که مبنای این مسئله ، روایات است واجماع نیست. (هاشمی شاهرودی، سید محمود، مقاله میراث زوجه از اموال غیرمنقول، مجله فقه اهل بیت، شماره 49، ص14-15)

عبارت صاحب جواهر در نقد اقامه اجماع بر محرومیت زوجه از عین برخی ترکه زوج نشان می دهد ، ایشان از چنین ادعایی به علت موجه نبودن آن بسیار خشمناک شده است . ایشان می نویسد :«فی المحکی عن کشف الرموز أنه قول متروک بل عن غایة المراد بعد أن حکی اجماع اهل البیت علی الرهان الزوجه من شیء ما وأنه لم یخالف فیه الا ابن الجنید قال:وقد سبقه الاجماع وتأخر عنه ونحو ذلک عن المهذب وغایة المرام» (جواهر الکلام، 39، ص207)

از جمله این روایات ، روایت امام صادق (علیه السلام) است که فرمودند : زنان از زمین ارث نمی برند وفقط از قیمت مصالح ساختمانی ارث می برند این روایات اگر بر ظاهرحمل شود، مخالف قرآن ، سنت واجماع می باشد لذا صاحب دعائم الاسلام معتقد است مراد از «أرض» در این روایات یا اراضی «مفتوح عنوة» است که به منظور تقویت مجاهدان مسلمان در مقابل کافران ، میراث آنها فقط به مردان می رسد یا مراد از «أرض» در روایات مذکور زمین های اوقاف است که زنان در آنها بهره ای ندارند وفقط در قسمت ابزار ومصالح می توانند با مردان شریک شوند ، اما زنان از زمین هایی که در ملک مورث است ، همانگونه که در قرآن آمده است ارث می برند ، حکم دیگری غیر از این جایز نیست. (جواهر الکلام، 39، ص208)

صاحب جواهر می نویسد : این سخن صاحب دعائم الاسلام بسیار شگفت است ؛ بلکه با فقه و روایات بیگانه است . فقط هدف از نقل ، نشان دادن شگفتی بود. ادعای اجماع بر آمده از وفاق نصوص است که فراتر از مرتبه تواتر می باشد همچنین بر آمده از فتاوایی است که عدم ذکر این مسئله در بعضی از کتب ، توان تعارض با آنها را ندارد وشاید عدم ذکر آن به واسطه آشکاری و روشنی آن باشد، بلکه عامه نیز این مسئله را از امامیه می دانند از این رو حمل صحیحه ای که می گوید زن از تمام ما ترک شوهرش ارث می برد بر تقیه موجه است ، تا اینکه توجیهات صاحب دعائم الاسلام را بپذیریم .همچنان که تخصیص عمومات کتاب ومشتبه روایات متواتر واجماع منقول بلکه محصل نیز موجه خواهد بود. (جواهر الکلام، 39، ص210)

### نقد روایات

برخی اشکالات نسبت به دلالت روایات بر محرومیت زوجه از ارث بردن عین وقیمت برخی از ما ترک زوج به شرح زیر است.

1)این روایات از نظر مدلول ومیزان دلالت بر محرومیت زوجه به چند دسته تقسیم می شوند:

الف)برخی دلالت بر محرومیت زوجه از ارث عقار ومطلق زمین دارد، بدون آنکه متعرض کیفیت ارث از ساختمان شده باشد.

ب)برخی دلالت بر محرومیت زوجه از ارث عقار ،ضیاع وارث بردن از عین ساختمان دارد.

ج)برخی روایات برای ارث زوجه تفصیل قرار داده اند که زوجه از خانه وعقار وزمین ارث نمی برد ولی از قیمت ساختمان ، آلات ومصالح آن ارث می برد.

حال اشکال این است که روایات مخصص آیه به سه نحو بیان شده است واین مسأله منجر به اجمال روایات می شود واگر به دلالت یک طایفه از روایات عمل شود ، دو طایفه دیگر بدون دلیل کنار گذاشته شده است و اگر دلالت سه دسته قبول شود، اجمال در تخصیص لازم می آید. وقتی مخصص مجمل شود ، چون اصل عدم تخصیص است باید به هیچ کدام عمل نشود. به بیان دیگر مخصص چون می آید وحکمی را تخصیص می زند برخی از افراد را از حکم عام خارج می کند باید کاملاً گویا باشد ولیکن روایاتی که آیه ارث زوجه را تخصیص زده اند کاملاً گویا نیستند وسه بیان دارند که با هم متفاوت است اگر به همه آنها بخواهیم عمل کنیم بر فرض تساوی مرجحات ترجیح بلا مرجح است پس به ناچار باید از عمل به آنها دست برداریم.

2)تعارض برخی روایات با روایاتی که بین زوجه دارای فرزند وفاقد فرزند تفصیل قائل شده اند . یعنی این روایات با اطلاقشان شامل زوجه ذات ولد وغیر ذات ولد می شود در صورتی که این اطلاق صحیح نیست .زیرا در حالی که این روایات به دلالت ظاهر بلکه صریح قرآن را تخصیص می زند خودشان با روایاتی که نقل شد بر این که زوجه ذات ولد از تمام ما ترک زوج ارث می برد .تخصیص زده شده اند .آیت الله شاهرودی در این زمینه نوشته اند :«روایات محرومیت زوجه از عقار ، از امام باقر وامام صادق (علیهم السلام)صادر شده است به استثنای یک روایت که محمد بن سنان از امام رضا (ع) نقل کرده است اما در روایاتی که از امیر المؤمنین (ع) ودیگر ائمه تا زمان صادقین (ع) وائمه پس از آن دو نقل شده است به استثنای روایت محمد بن سنان از امام رضا (ع) هیچ اثری از این حکم دیده نمی شود با آنکه درباره مسائل ارث ، روایات واحکام بسیاری از امیر المؤمنین (ع) صادر شده بود چون این مسائل به شدت مورد ابتلای مسلمانان بوده وقرآن کریم نظام ارث جدیدی را بر خلاف آنچه در جاهلیت رایج بود، تأسیس کرد. در زمان جاهلیت به زنان ، بلکه به خویشاوندان ارث نمی دادند .ارث فقط برای زورمندان از بستگان پدری بود. اسلام نظام عادلانه ای برای ارث بنا نهاد که در میان آن حق نسبت وسبب و ولاء جمع شده است. برای پدر ومادر و نزدیکان بهره ای قرار داد وبرخی از خویشاوندان را بر برخی دیگر اولویت بخشید وارث بردن بر اساس فرزند خواندگی یا عصبه (خویشان پدری) ومانند آن را منع نمود. از همان آغاز ،رگه های انحراف از این نظام نزد برخی از مسلمانان پیدا شد، از همین جا دو مسئله حول وتعصیب در ارث پدید آمد که مکتب امیرالمؤمنین واهل بیت (علیهم السلام) در مقابل آن ایستاد.

مردان وشاگردان امیر المؤمنین (ع)مانند: ابن عباس از منادیان ابطال تعصیب و عول در ارث بودند وآن را به شدت انکار می کردند .روایات فراوانی از امیرالمؤمنین (ع) وائمه دیگر در ابطال عول وتعصیب آمده است ودر این که سهم زوج وزوجه از سهام مؤکدی است که ممکن نیست از آنچه در قرآن تعیین شده یعنی نصف و ربع وثمن کم تر شود و خداوند مقرر کرده که زن وشوهر با وجود همه وارثان سهم خود را ببرند وسهم آنان را کمتر از نصف وربع وثمن قرار نداده است ،پدر ومادر نیز چنین است وبا وجود همه وارثان ، سهم مقرر خود را می برند. همین حکم ،مبنای بطلان عول است که خلیفه دوم آن را متوجه نشد وحکم به عول در فرائض کرد و در کتاب کافی از علی بن ابراهیم از پدرش از محمد بن اسماعیل از فضل بن شاذان از محمد بن یحیی از علی بن عبدالله از یعقوب بن ابراهیم از محمد بن اسحاق از زهری از عبیدالله بن عبدالله (عبدالرحمان) عتبه نقل شده است : «با ابن عباس نشسته بودم ، بحث فرایض ارشد در میان آمد . ابن عباس گفت: سبحان الله آیا می پندارند کسی که شمار ریگ های بیابان را میداند دو نصف ویک ثلث را در مالی قرار می دهد ، دو نصف همه یک مال است . پس جای ثلث کجاست ؟ زفر بن اوس بصری به او گفت: چه کسی نخستین بار عول را در فرایض به کار گرفت، ابن عباس گفت:چون فرایض نزد عمربن خطاب تداخل کردند وبه هر یک از وارثان بخشی از فرایض را داد ، گفت : به خدا نمی دانم که کدام یک از شما خدا را مقدم داشت وکدامیک را مؤخر وبهتر از این نمی یابم که این مال را به نسبت سهم هر یک میان شما تقسیم کنم، بنابراین او از سهم هر یک از صاحبان سهم به اندازه نقص فرایض کم کرد . سوگند به خدا اگر او کسی را که خداوند مقدم داشت ، مقدم می دانست وکسی را که خداوند مؤخر داشت ، مؤخر نمی دانست ، هرگز نقصی در فرایض پدید نمی آمد. زفر گفت: مقدم ومؤخر کدام است ؟ ابن عباس گفت: هر فریضه ای را که خداوند آن را فرو نکاست ، مگر به فریضه ای دیگر این همان است که خداوند آن را مقدم داشته است .اما آنچه مؤخر است آن فریضه ای دیگر است که هرگاه ساقط شود ، چیزی برای صاحب آن باقی نمی ماند مگر از باقی مانده ارث ، بنابراین آنان که مقدم داشته شده اند ، یکی زوج است که سهم او نصف است وهرگاه کسی در ورثه باشد که وجود او موجب شود سهم نصف برای زوج ساقط شود ، سهم او به ربع تقلیل می یابد واز آن کمتر نمی شود ، دیگری زوجه است که سهم او ربع است و هرگاه کسی در ورثه باشد که موجب شود سهم ربع برای زوجه ساقط شود، سهم او به ثمن تقلیل می یابد واز آن کمتر نمی شود ودیگری مادر است که سهم او ثلث است وهرگاه این سهم ساقط شود ، به سومش تقلیل می یابد واز آن کمتر نمیشود ، اینها فرایضی است که خداوند مقدم داشته است ، اما آنچه مؤخر داشته است ، فریضه دختران وخواهران است ونصف وثلث می باشد. هرگاه کسی درورثه باشند که وجود آنان موجب شود ، این فرائض ساقط شود ، سهمی برای دختران وخواهران نیست مگر از باقی مانده میراث . اینان کسانی هستند مؤخر داشته است، با هم جمع شوند تقسیم ارث از آنان که خداوند مقدم داشته آغاز می شود وحق آنان به طور کامل داده می شود واگر چیزی باقی ماندبه کسانی که مؤخر داشته شده اند داده می شود واگر چیزی باقی نماند چیزی برای آنان نیست.

این احکام از همان ابتدا ازجانب امام علی(ع) واهل بیت (ع) اظهار می شد با این اهتمام کامل به احکام ارث ودقت در فهم آنها ازقرآن ومخالفت نداشتن آنها با قرآن وابتلای شدید به این احکام در صدر اسلام و بازگشت به رأی جاهلیت در محروم ساختن آنها از ارث وارث دادن عصبی (فامیل پدری) ومقابله مکتب امام علی(ع) وپیرامون او با این بازگشت جاهلی وشرح نکات دقیق در آیات وتعصیب که به مراتب کم تر از محرومیت زوجه ازارث اراضی است چگونه می توان تصور کرد که حکم واقعی خدا ،عدم ارث زوجه از زمین و در نتیجه محدود شدن فریضه ربع وثمن زوجه در اموال منقول از قبیل لباس ، کالا ومحرومیت از اموال غیر منقول مثل خانه وزمین باشد . این حکم در سخنان پیامبر (ص) و در عصر امیرالمؤمنین(ع) وقضاوت های آنان ذکر نشده تا آنجا که هیچ سخنی به کسی مثل ابن عباس که از شاگردان آن حضرت بود نرسیده باشد.این مسأله از حقوق الناس واگر زوجه از زمین هیچ ارث نبرد ، به ناچار این زمین برای دیگر وارث خواهد بود چگونه نسبت به این حق ایشان در طول حکومت عادلانه پیامبر (ص) وامیرالمؤمنین(ع) تفریط می شد وحکم خدا بیان نمی گردید وحقوق دیگر ورثه تا عهد امام باقر وامام صادق(ع) به زوجه داده می شد. همچنین این مسأله سیاسی نبود تا دلیلی بر تقیه آن باشد . با توجه به تعابیری که در بیان روایات آمده که محرومیت زوجه از ارث زمین وخانه به سبب آن است که زوجه ، شخص بیگانه ای را داخل ورثه نکند ومیراث آنان را تباه نسازد با آنکه گاه غیر زوجه هم هیچ وارث دیگری نیست. همچنین این تعبیر که زوجه خویشاوند ثابتی نیست ، پس جز در اموال غیر ثابت سهمی ندارد. یا بعضی از روایات که زوجه را از ارث سلاح وچهارپایان نیز منع کرده است ، بسیار بعید است که مقصود از این روایات ظاهر اولیه آنها مبنی بر محرومیت زوجه به طور کلی از ارث خانه، زمین وباغها ، باشد مگر از قیمت مصالح ساختمانی ، چوب ودرختانی که در آنها ست. بلکه مقصود از این روایات یا همان مطالبی است که سید مرتضی بیان کرده که محرومیت زوجه ازعین رباع (ملک مسکونی) نه از قیمت آن یا منظور این روایات ، حکم خاصی است که امام معصوم(ع) در زمان حکومت خودشان آن را تطبیق خواهند کرد مثل «هرگاه ما ولایت داشتیم ، مخالفان این احکام را تازیانه می زدیم واگر نمی پذیرفتند به شمشیر آنان را می زدیم»مستقر به همین معناست.

پس مسأله از نظر ثبوتی چنان که برخی ازفقها ذکر کرده اند بسیار مشکل است .بنابراین مراد ازاین روایات ظاهر اولیه آنهامبنی بر محرومیت زوجه از عین وضعیت خانه وزمین نیست بلکه محرومیت زوجه از عین خانه وساختمان فی الجمله وفقط در زمین خانه به نحوی که حق سایر ورثه در آن حفظ شود ومیراث آنان تباه نشود اگر زوجه دارای فرزند نباشد ، شاید امر مسلمی نزد فقها باشد اما این محرومیت از عین زمین نیز به نحوی است که منافی حق زوجه از قیمت ومنافی نکاتی گذشت ، نباشد زیرا سهم زوجه از ربع وثمن همه ترکه محفوظات ودادن این سهم از عین خانه وزمین نیز با توضیحی که خواهد آمد صحیح خواهدبود. (مجله فقه اهل بیت ،ش49، ص42)

## بررسی قول ششم

قول ششمی که تأسیس شده بود قائلینش اینطور می گویند که زوجه اگر فرزندی از زوج متوفی داشته باشد از عین تمامی ما ترک ، ارث می برد والا از عین اموال غیر منقول محروم ؛ ولی از قیمت آن ارث می برد. این نظریه موجب کمترین تخصیص عمومات قرآنی است.

ابوجعفر محمد بن علی بن الحسین بن بابویه قمی پس ازنقل حدیث ابن ابی یعفور از امام صادق (علیه السلام) که پرسیدند از حضرت که آیا مرد از خاک خانه یا زمین همسرش چیزی ارث می برد یا (از همه ماترک زن ارث می برد) مرد نیز همچون زن از خانه وزمین ارث نمی برد امام در پاسخ فرمود :زن از همه ما ترک زن ارثمی برد.اینطور می نویسد: این حکم در صورتی است که زن دارای فرزندی از مورث باشد ، اگر زوجه فرزندی از او نداشته باشد ، از اصول جز قیمت چیزی نمی برد وروایت ابن ابی عمیر از ابن إذنیه نیز در تأیید این نظر است در این روایت آمده است «اگر زنان دارای فرزند باشند از رباع ارث می برند» (المقنع، ص 104)

## نقد وبررسی دیدگاه آیت الله شاهرودی ونظریه تفصیل بین زوجه ذات الولد وغیر ذات الولد

که اشکالاتی به آن هموارد است ودقیقاً درمقابل قول پنجم است.

1.مجموع روایات ارث نبردن زوجه از اموال غیرمنقول فی الجمله موجب قطع واطمینان به صدور ومضمون آن روایات است در این صورت این روایت (ابن یعفور) مخالف سنت قطعیه ودرنتیجه قابل التزام نیست.

2.اگر روایات محرومیت موجب اطمینان ویقین نشوند شکی نیست که بین اصحاب مشهور هستند وحال اگر شهرت روائی که برطیق آن عمل شده است را میزان تشخیص حجت از لا حجت بدانیم روایت ابی یعفور از حجیت ساقط است و اگر شهرت را مرجع در مورد تعارض دو روایت قرار دهیم باز هم روایت ابی یعفور به دلیل شاذ بودن قابل عمل نیست ، لذا برطبق هر دو مبنا ترجیح با روایت محرومیت است.

3.اگر شهرت عملی روایات محرومیت راانکار کنیم و یا شهرت را جزء مرجحات ندانیم در این صورت نوبت به دو مرجح طولی یعنی موافقت کتاب ومخالفت عامه می رسد دراین مورد هم چنانچه واضح است تقدم مرجح موافقت کتال در صورتی است که قرینه ای بر مطابقت با عامه وصدور روایت از روی تقیه نباشد وچون در اینجا احتمال بلکه اطمینان به تقیه است لذا مرجح موافقت کتاب قابل أخذ نیست.

درضمن قرائن متعددی دلالت دارند که روایت ابن ابی یعفور از روی تقیه صادر شده است.

الف)نظر مشهور بین عامه درخصوص ارث اموال غیر منقول مطابق روایت ابی یعفور است یعنی زن همانند مرد ارث می برد وهیچ تفاوتی بین آنها نیست.

ب)در روایت صائغ هنگامی که امام باقر(ع)مسئله ارث نبردن زوجه از زمین را مطرح می کند صائغ به امام (ع) می گوید « إنَّ الناسَ لا یَأخُذُونَ بِهذا....»مردم به این حکم عمل نمی کنند روشن است که مقصود از ناس در این روایت مثل بسیاری از روایات دیگر «عامه» هستند.

ج)درروایت صفار از عبدالملک آمده است : امام باقر(ع)از روی کتاب علی (ع)مسئله ارث نبردن زوجه اززمین را مطرح کرده و سپس با تأکید فراوان قسم خورده ومی فرمایند «هذا والله خطَّ علیٍّ(ع)بیدهِ وإملاء رسول الله (ص) » به خدا سوگند این دست خط علی (ع) واملای رسول خدا (ص) است چه ضرورتی است بر تأکید امام (ع)در این روایت با سوگند به اینکه این نوشته دست خط امام (ع)واملای رسول الله(ص) است؟ این تأکید ها مؤید آن است که حضرت نظریه معروف بین عامه را رد ومنع فرمود واستدلال آنها برای اثبات قولشان به ظاهر قرآن کریم را با املای رسول الله(ص) در تنافی قرار دادند.

نکته بعدی اینکه شیخ صدوق از ابن ابی عمیر از ابن اذنیه نقل کرد ه است «به زنانی که فرزند داشته باشند ، از رباع داده می شود گفته می شود که این سخن ، سخن خود ابن إذنیه است وسخن نقل شده ، سخن معصوم نیست واحتمالاً فتوا و نظر خود او بوده است ومحرز نیست که اصلاً روایت باشد (با آنکه گفته اند که این احتمال بسیار بعید است که ابی عمیر ابن إذنیه که معهود هم نیست از ایشان که آراء وفتوای خودشان را برای راویان و اصحابشان روایت کنند) اما در جواب گفته اند : بعید نیست که این روایت فتوی خود ابن إذنیه باشد ، زیرا این بزرگان فتوای خودشان را روایت نکرده اند ، بلکه دیگران فتوای آنها را شنیده اندو بخاطر اهمیت آنان درضمن روایت، فتاوای ایشان را نقل کرده اند و درمجامع روائی در موارد متعددی فتوای افرادی مانند : زراره ، سماعه، فضل ، یونس، ابن ابی عمیر وابن إذنیه و ..... در ضمن روایات ذکر شده است. (مقاله میراث زوجه از اموال غیرمنقول، سجادی امین).

## نتیجه نهایی

ما بعد از بررسی کردن و شناختن اموال منقول و غیر منقول و تاثیر گذاری ان در ارث، اختلاف بر ارث بردن زوجه از اموال غیر منقول و عدم ارث بری او که محل نزاع بود را مورد بحث قرار داده ایم که نظرات متفاوتی در این زمینه بود. ما با بررسی روایات و ایات و ادله فقها به این نتیجه رسیدیم که مشهور فقهای متاخر به محرومیت زوجه از عین و قیمت اموال غیر منقول فتوا دادند، در مقابل دو نظریه هست که اولاد را در ارث بری دخیل دانسته و همین قول هم دو دسته شده اند، دسته اول شیخ طوسی و فقهای پس ازاو بر این اعتقادند که زوجه اگر دارای فرزند باشد از عین همه زمینها ارث می برد واگر بدون فرزند باشند (از زوج) هیچ ارثی اززمینها نمی برد وفقط ازقیمت ابزار و صالح وساختمانی ارث می برد. . دسته دوم نظر آیت الله شاهرودی و بعض فقهای دیگر است که قائلند که زوجه اگر دارای فرزندی از مورث باشد از همه اموال منقول وغیرمنقول ارث می برد مطلقاً واگر بدون بدون فرزند باشند از عین اموال منقول ارث برده واز قیمت اموال غیر منقول ارث می برد پس مطلقاً ارث خواهد برد. قابل ذکر است که نظرهای دیگری هم وجود دارد که ما فقط نزاعات این دو دسته را در جمع بندی مطرح کردیم.

# منابع

## کتب

1. قران کریم

2. امامی ، سید حسن ،حقوق مدنی ، کتابفروشی اسلامی، تهران ، 1366ش

3. بن بابویه، محمد بن علی بن الحسین ، المقنع، قم ، مؤسسه الامام الهادی (ع) ، 1415ه.ق

4. ترخینی عاملی ، سید محمد حسن ، الزبدة الفقهیه فی شرح الروضة البهیه ، ج9 ، دار الفقه للطباعة والنشر ، الخامسه، 1428ه.

5.حلّى، ابن ادريس، محمد بن منصور بن احمد، السرائر الحاوي لتحرير الفتاوى‌،3 جلد، دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه، قم‌، 1410 ه‍ ق‌، چاپ دوم

6.حسینی، سید احمد، مقاله ارث زوجه از اموال غیر منقول زوج در کتاب، سنت وفقه اسلامی

7. حر عاملی، محمد ، وسائل الشیعه ، بیروت ، دارالاحیاء التراث العربی ، 1378ه.

8. دهخدا ،علی اکبر ، لغت نامه دهخدا، انتشارات دانشگاه تهران ، چاپ دو

9.طباطبایی، سید علی، ریاض المسائل، مؤسسه النشر الاسلامی لجامعه المدرسین، قم، ج اول،/1412ه.ق

10. طوسی، ابو جعفر محمد بن الحسن ، الاستبصار، دارالکتب الاسلامیه ، ج چهارم ، تهران ، 1363

11.عاملى، شهيد ثانى، زين الدين بن على. الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية( المحشّٰى- سلطان العلماء). انتشارات دفتر تبليغات اسلامى حوزه علميه قم‌. تاريخ نشر: 1412 ه‍ ق. چاپ اول.

12. علم الهدی ، سید مرتضی ، الانتصار، جامعه مدرسین ، قم ، 1415ه.ق

13. عدل، مصطفی ، حقوق مدنی ، انتشارات طه ، چاپ دوم ، سال 1385، قزوین

14. مقدس اردبیلی ، احمد ، مجمع الفائده والبرهان، منشورات جامعة المدرسین، بی تا

15.سبزوارى، محقق، محمد باقر بن محمد مؤمن‌، كفاية الأحكام‌، دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم‌، 1423 ه‍ ق

‌ 16.سجادی امین، مهدی، مقاله میراث زوجه از اموال غیرمنقول، مرکز مطالعات راهبردی زنان

17.شیخ مفید، احکام النساء، تحقیق مجدی نجف، بیروت دار المفیدوالطباعه، 1993میلادی

18. شیخ مفید ،العتبی ،احکام النساء، تحقیق مجدی نجف، بیروت دار المفیدوالطباعه، 1993میلادی

19. نجفی ،محمد حسن ، جواهر الکلام ، تهران چاپخانه خورشید ، ج سوم، 1367ه.ق

20. هاشمی شاهرودی، سید محمود ،رساله توضیح المسائل ، قم ، 1386ه.ش

21.هاشمی شاهرودی، سید محمود، مقاله میراث زوجه از اموال غیرمنقول، مجله فقه اهل بیت، شماره 49

## نرم افزار

22. نرم افزار نور(جامع فقه اهل بیت 2)، مركز تحقيقات كامپيوترى علوم اسلامى‌، قم